

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	سخن نخست.....
۲	مهار ایران
۶	اوباما تحریم‌های جدیدی به ایران تحمیل می‌کند.....
۹	آغاز سوخت‌گیری نیروگاه هسته‌ای ایران.....
۱۲	مذاکرات جنگ را متوقف کنید.....
۱۷	ایران مخفیانه در کشورهای اسلامی بانک تأسیس می‌کند.....
۲۰	کره جنوبی با احتیاط تحریم‌های ایران را به اجرا گذاشت.....
۲۲	ترکیه زیربار فشار آمریکا در مورد ایران نمی‌رود.....
۲۴	معامله آمریکا با شرکت‌های نفتی، ایران ایر را با مشکل مواجه می‌کند.....
۲۷	مبادلات تسلیحاتی چگونه خاورمیانه را شکل می‌دهد.....
۳۰	ایران و آمریکا برای نفوذ در عراق رقابت می‌کنند.....
۳۲	ایران، مشکل عراق نیست.....
۳۴	احمدی‌نژاد در لبنان.....
۳۷	دستور کار مخفی ایران در سفر به لبنان.....
۴۰	اعراب، میان ایران و ترکیه.....
۴۳	حضور ایران در اجلاس نمایندگان ناتو در مورد افغانستان.....
۴۵	ایران در صدد قطع یارانه‌هاست.....

ماهنامه کاوش (۳۷)

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۰۵۱۵

آبان‌ماه ۱۳۸۹

دفتر: مطالعات سیاسی



ماهنامه کاوش (۳۷)

سخن نخست

یکی از مهمترین مسائل مؤثر در حوزه سیاستگذاری خارجی، درک شرایط بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب است. این شناخت از طریق آگاهی از رویکردها، برداشتها و نگرش‌های سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به تحولات نظام بین‌الملل به دست می‌آید و می‌تواند نقش مهمی در روند تصمیم‌سازی یک سیاست خارجی مؤثر داشته باشد. بدین منظور، ماهنامه کاوش با هدف انتقال چکیده مهمترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری و پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی، تلاش دارد تا به بررسی عمده‌ترین مطالب ماه گذشته برخی از مهمترین مجلات علمی، سیاست‌ها و پایگاه‌های تحلیلی غربی در قبال مسائل ایران بپردازد. براین اساس در شماره ۳۷ کاوش، مقالاتی در مورد پرونده هسته‌ای ایران و سایر موضوعات جدید و مرتبط با روابط خارجی ایران و کشورهای منطقه انتخاب و منعکس شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها تنها جهت اطلاع و مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان محترم بوده و به منزله تأیید آنها از جانب دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس نیست. ماهنامه کاوش در همین حال جهت تقویت و بهبود رویه خود از پیشنهادهای و انتقادات اندیشمندان محترم استقبال می‌کند.

عنوان: مهار ایران^۱

نویسنده: کنث پولاک

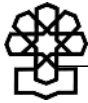
منبع: United States Institute of Peace^۲

نویسنده معتقد است از زمان انقلاب ۱۹۷۹ تاکنون، دکترین مهار، یکی از مهمترین سیاست‌های ایالات متحده نسبت به ایران بوده است. این سیاست اگرچه به موفقیت‌هایی دست یافته و به‌طور نسبی موجب انزوای ایران شده است. اما اتخاذ این سیاست نیز مشکلاتی به همراه داشته است. با وجود این، سیاست مهار احتمالاً همچنان به‌عنوان اساس سیاست ایالات متحده در مورد ایران باقی خواهد ماند، مگر اینکه حکومت ایران موضع متفاوتی اتخاذ کند یا اینکه آمریکا، جنگ سومی را در منطقه خاورمیانه آغاز کند.

آغاز سیاست مهار در قبال ایران به دوره کارتر بازمی‌گردد. دولت کارتر تلاش کرد تا پس از انقلاب ایران، روابط عادی دیپلماتیکی با جمهوری اسلامی داشته باشد. ولی کاخ سفید ۱۰ ماه بعد به دلیل گروگانگیری در سفارت آمریکا در تهران، با میلی به سوی اتخاذ سیاست مهار گام برداشت. براین اساس، مهار به بطن استراتژی آمریکا نسبت به ایران تبدیل شده و پس از کارتر هر دولتی که در آمریکا برسر کار آمده تلاش کرده تا کمترین توجه ممکن را به ایران داشته باشد و درعین حال منافع ایالات متحده در خاورمیانه را به خطر نیاندازد. با وجود این، چندین رئیس‌جمهور آمریکا،

1. Kenneth M. Pollack, Containing Iran, United States Institute of Peace, November, 2010.

۲. از مؤسسه‌های بین‌المللی که تحلیل‌هایی در زمینه منازعات میان کشورها منتشر می‌سازد.





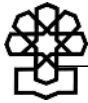
به صورت آگاهانه‌ای، از توصیف سیاست‌شان در قبال ایران به عنوان سیاست مهار خودداری کردند.

در این شرایط، سیاست مهار همچنان پابرجاست، زیرا این سیاست، یک استراتژی حداقلی به شمار می‌رود. در واقع این سیاست زمانی که تعامل و گفتگو در هر سطح آن به بن‌بست رسیده و آغاز جنگ نیز بسیار گزاف و ناخوشایند به نظر می‌رسد، یک موضع مفروض محسوب می‌شود.

سیاست مهار در استراتژی آمریکا در قبال ایران بر دو فرض استوار است: اول اینکه ایالات متحده مایل نیست به زور متوسل شود و با تحمل هزینه بالا، نظام ایران را سرنگون کند. دوم اینکه ایران علاقه‌ای به داشتن روابط صلح‌آمیز با واشنگتن ندارد و اگر با همه امکاناتش رها شود، بی‌شک تلاش خواهد کرد تا نظم فعلی خاورمیانه را به ضرر آمریکا دگرگون کند. هدف از اتخاذ این سیاست کاهش توانایی‌های ایران در ایجاد دردسر در آن سوی مرزهای آمریکا، ایجاد بی‌ثباتی در منطقه و صدمه رساندن به متحدان آمریکاست. بدین ترتیب ایالات متحده منابع کمتری نسبت به آنچه برای سرنگونی حکومت ایران لازم است، صرف خواهد کرد.

با وجود این، اگرچه شیوه اتخاذ سیاست مهار در استراتژی آمریکا در قبال ایران به شکلی نامنظم و بدون برنامه‌ریزی - از انزوای منفعلانه گرفته تا رویارویی - بوده است، اما اکثر عناصر اصلی سیاست آمریکا در مورد ایران بدون تغییر باقی مانده‌اند - هرچند که شدت عمل نیز بسیار متغیر بوده است - این عناصر عبارتند از:

- تلاش‌های دیپلماتیک برای منزوی ساختن حکومت تهران و متقاعد کردن کشورهای بیشتر برای کمک به ایالات متحده در این زمینه.



- اعمال تحریم به منظور بازداشتن ایران از تبدیل شدن به قدرت اقتصادی و نظامی (این تحریم‌ها تا حد زیادی در مایوس ساختن ایران برای دستیابی به موشک‌های بالستیک و سلاح‌های کشتار جمعی، به ویژه جنگ‌افزارهای اتمی متمرکز بوده است).

- اقدامات مخفی به منظور حمایت از گروه‌های مختلف در داخل ایران که به صورت سیاسی یا نظامی به مخالفت با حکومت برخاسته‌اند.

- «خطوط قرمز» که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بیان شده و باعث خواهد شد تا ایالات متحده در صورت عبور تهران از آنها متوسل به اعمال زور و خشونت شود.

- استقرار نیروهای نظامی، مانند استقرار نیروهای آمریکایی در امتداد خلیج فارس با هدف حمایت از متحدان آمریکا و بازداشتن ایران از حمله و تقویت خطوط قرمز.

نویسنده در ادامه گزارش معتقد است که خوش‌خیالی‌های آمریکا در سال ۲۰۰۲ پس از افشای تأسیسات ایران و پیشرفت چشمگیر در دستیابی به توانایی هسته‌ای در هم شکسته شد. آمریکا بیم آن داشت که پیشرفت ایران به‌طور جدی سیاست مهار را تضعیف کند، بی‌ثباتی در منطقه را افزایش دهد و حتی امکان رویارویی را بالا ببرد.

در پاسخ، دولت بوش و سپس دولت اوباما رویکرد «چماق و هویج» را پیش گرفتند تا ایران را به توقف برنامه هسته‌ای اش متقاعد سازند. در هر دو مورد، واشنگتن و متحدانش مشوق‌های اقتصادی و دیپلماتیک به ایران پیشنهاد کردند تا برنامه‌اش را متوقف کند (این درحالی بود که تهدید اعمال تحریم‌های شدیدتر در صورت عدم پذیرش تعلیق غنی‌سازی اورانیم توسط ایران، همواره مطرح بود).

نویسنده چشم‌انداز آتی سیاست مهار در استراتژی آمریکا در قبال ایران را چنین عنوان می‌کند:

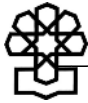


- دولت‌های آمریکا بسیار بیم آن دارند که دستیابی ایران به توانایی هسته‌ای سیاست مهار را تا حد مهلکی با مشکل مواجه می‌سازد. براین اساس با آخرین گزینه بازدارنده، یعنی انجام یک حمله غیراتمی از سوی آمریکا برای مهار کردن ایران، بی‌ثبات ساختن خاورمیانه توسط ایران از طریق رفتارهای تهاجمی آن از بین خواهد برد.

- برخی دیگر براین باورند که سیاست مهار اکنون بیش از هر زمان دیگری لازم است، زیرا در صورت دستیابی ایران به توانایی هسته‌ای، دیگر حمله آمریکا به ایران منتفی خواهد بود و ایران نیز خود را در موضع امن‌تری در مواجهه با ایالات متحده احساس خواهد کرد و بنابراین دیگر میل چندانی به بهبود روابط نخواهد داشت.

- یک ایران هسته‌ای می‌تواند با متقاعد کردن برخی همسایگانش درخصوص دستیابی به توانایی‌های هسته‌ای خود، چالش‌های دیگری را برای سیاست مهار آمریکا به‌وجود آورد.

- این مسئله منجر به وقوع نگرانی‌های بیشتری میان ایران و اسرائیل خواهد شد که در ابتدا به‌صورت جنگ غیرمستعارف بین آنها و سپس احتمالاً به‌صورت یک موازنه هسته‌ای خطرناک میان اسرائیل و ایران برقرار خواهد شد.



عنوان: اوباما تحریم‌های جدیدی به ایران تحمیل می‌کند^۱

نویسنده: جیم لوب

منبع: Interpress Service^۲

ایالات متحده در میان جنجال‌های جدید در مورد برنامه هسته‌ای ایران، تحریم‌های یک‌جانبه‌ای را علیه هشت مقام عالی‌رتبه جمهوری اسلامی، اعمال کرد. تحریم‌های جدید شامل ممنوعیت سفر این افراد به ایالات متحده و توقیف هرگونه دارایی آنان در خاک آمریکاست. این اولین باری است که چنین تحریم‌هایی به‌دلیل مسائل حقوق بشری از سوی واشنگتن علیه مقامات و مسئولان ایرانی اعمال می‌شود. این تحریم‌ها زمانی اعمال شده‌اند که مسئله از سرگیری مذاکرات هسته‌ای مجدداً میان ایالات متحده و دیگر قدرت‌های بزرگ با ایران بر سر پرونده هسته‌ای و همچنین خواست روزافزون نومحافظه‌کاران اسرائیلی و دیگران مبنی بر انجام حمله نظامی در صورت شکست مذاکرات مطرح شده است. جوزف لیبرمن، سناتور دمکرات، طی سخنرانی در شورای روابط خارجی، از تحریم‌های جدید و همچنین از موفقیت دولت در جذب متحدان اروپایی و آسیایی برای اعمال تحریم‌های اقتصادی شدید استقبال کرد. او همچنین از دولت خواست که گام‌هایی برای روشن کردن این مسئله بردارد که اگر استراتژی‌های اقتصادی و دیپلماتیک نتوانند سیاست‌های هسته‌ای ایران را تغییر دهند، امکان حمله نظامی وجود خواهد داشت و این صرفاً یک برداشت انتزاعی نیست، بلکه یک گزینه واقعی و قابل باور است که ما و متحدانمان آماده به انجامش هستیم. این

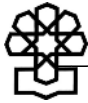
1. Jim Lobe, "Obama Imposes New Iran Sanctions as War Chorus Rises", (IPS), 29 September, 2010.

۲. از پایگاه‌های تحلیلی مسائل بین‌المللی است.



نامزد سابق انتخابات ریاست جمهوری در ادامه افزود: هیچ چیز بدتر از آن نیست که دورنمای حل و فصل مسالمت آمیز این رویارویی به صورت تردید (در نزد دوستان و دشمنان در منطقه خاورمیانه) تعبیر شود که ما در نهایت با توانایی هسته‌ای نظامی ایران کنار خواهیم آمد. اگر ما معتقدیم که ایران هسته‌ای قابل قبول نیست، باید این آمادگی را داشته باشیم که هرآنچه برای جلوگیری از آن مفید است انجام دهیم.

تحریم‌های جدید که بسیار هدفمندتر از تحریم‌های اقتصادی علیه شرکت‌های خارجی بوده است، ماه ژوئن در کنگره آمریکا به تصویب رسید و پس از اصلاحیه تنظیم شده‌ای که توسط لیبرمن و سناتور جمهوریخواه جان مک‌کین در پیش‌نویس مصوبه تحریم‌های جامع علیه ایران تسلیم گردید به اجرا درآمد. اواما پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران در ژوئن ۲۰۰۹ از سوی جمهوریخواهان و فعالان حقوق بشر به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. آنان معتقد بودند که اواما علیه آنچه به عقیده برخی سرکوب محسوب می‌شود، با قدرت برخورد نکرده است. بی‌میلی دولت تا حدودی بدین شکل توجیه شد که اولویت اواما و چهار عضو دائم شورای امنیت و آلمان در این بوده است که جمهوری اسلامی بیشتر در مسائل دیپلماتیک احساس تعهد کند، به این امید که بتوان به توافقی در مورد چشم‌پوشی ایران از برنامه هسته‌ای‌اش دست یافت. دولت اواما بیم آن داشت که بازگویی اتهامات مطرح شده علیه دولت ایران، کار دولت او را سخت‌تر خواهد کرد و حتی ممکن است یک حمایت ملی‌گرایانه را به دنبال داشته باشد که منجر به تقویت مواضع عناصر تندرو در نزد حکومت جمهوری اسلامی شود. کلینتون در این رابطه اظهار داشت: ما به پیام‌هایی که از مردم ایران در داخل و خارج از این کشور می‌گرفتیم خیلی فکر می‌کردیم. ما



می‌باید بسیار با دقت عمل می‌کردیم تا مخالفان داخل ایران به‌عنوان عوامل آمریکا شناخته نشوند. یکی از اظهارات کلینتون در ماه فوریه توجه زیادی به خود جلب کرد و مورد استقبال طرفداران جنگ و برخی فعالان حقوق بشر قرار گرفت. او حکومت جمهوری اسلامی را به حرکت به سوی دیکتاتوری نظامی محکوم نمود. این ارزیابی با تصمیم دولت مبنی بر متقاعد کردن کشورهای مهم، به‌ویژه روسیه و چین، مقارن شد تا به سری چهارم تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران رأی دهند. همچنین باعث شد دولت آمریکا از تحریم‌های مورد نظر کنگره درخصوص شرکت‌های کشورهای ثالث که در بخش‌های کلیدی ایران فعالیت می‌کنند حمایت کند و متحدین خود را نیز متقاعد به اعمال همان تحریم‌ها کند. تأثیر این تحریم‌ها و اینکه آیا می‌توان از طریق آنها ایران را به توقف برنامه هسته‌ای‌اش مجاب کرد، موضوع بحث بسیار داغی است. تأثیرات تحریم مقامات ایرانی (اگر تأثیری وجود داشته باشد)، بر آینده مذاکرات روشن نیست، ولی کلینتون از آنها به‌عنوان ابزار جدیدی که به آمریکا اجازه می‌دهد مقامات ایرانی دخیل در نقض حقوق بشر را معرفی کند، بدون اینکه زندگی مردم ایران را تحت تأثیر قرار دهد، تمجید کرد.



عنوان: آغاز سوخت‌گیری نیروگاه هسته‌ای ایران^۱

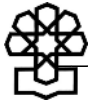
نویسنده: ویلیام یانگ و آلن کاول

منبع: New York Times^۲

ایران آغاز فرآیند سوخت‌گیری اولین نیروگاه اتمی ۱۶۳ میله سوختی خود را جشن گرفته است و این نیروگاه در خلال چند ماه آینده به بهره‌برداری می‌رسد. نیروگاه اتمی بوشهر که به‌عنوان بخشی از توانمندی انرژی اتمی ایران با اهداف صلح‌آمیز به معرض تماشا نهاده می‌شود با دیگر اقدامات مقابله‌جویانه ایران و برنامه‌های غنی‌سازی اورانیم آن تفاوت دارد. با وجود این، برنامه‌ریزی زمانی آغاز سوخت‌گیری آن با ظرافت و حساسیت نسبت به امور دیپلماتیک انجام شده است و همزمان با گسترش حلقه تحریم از سوی شورای امنیت سازمان ملل، ایالات متحده و اتحادیه اروپا، فعالیت این نیروگاه آغاز می‌شود. لذا ایران تأکید دارد که فشارهای سیاسی و تحریم‌ها نتوانسته است از پیشرفت برنامه زمانبندی شده فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران جلوگیری کند. از نظر مقامات ایران، نیروگاه اتمی بوشهر گام بزرگی است که به آنان در دستیابی به منبع انرژی جایگزین کمک می‌کند. بنابراین ایران در مناطق دیگر نیز به پیگیری فعالیت‌های اتمی صلح‌آمیز ادامه خواهد داد. در حال حاضر، ایران دارای پنج نیروگاه پژوهشی فعال و یک نیروگاه در دست ساخت است.

1. William Yong and Alan Cowell, Iran Begins Loading Fuel at Nuclear Reactor, New York Times, 26 October, 2010.

۲. از نشریات معتبر آمریکایی است.



راکتور بوشهر که برای تولید برق طراحی شده و در جنوب ایران قرار دارد دارای پیشینه‌ای پیچیده و طولانی در خلال تاریخ است. ساخت این نیروگاه در سال ۱۹۷۵ طی قراردادی که با آلمان غربی امضا شده بود آغاز شد، ولی این کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ از همکاری در این پروژه خودداری کرد. به این ترتیب، قرارداد ساخت این نیروگاه در سال ۱۹۹۹ با روسیه مورد گفتگو قرار گرفت. در هر حال، این برنامه دستخوش چندین تأخیر طولانی بوده است.

در این میان، آمریکا یک بار مخالفت خود را با این برنامه اعلام کرد، اما تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تضمین روسیه برای مراقبت از ذخیره سوخت و همچنین میله‌های سوخت مصرف شده، آمریکا از مخالفت خود دست برداشت. روسیه موافقت کرده است که ضایعات سوخت را پس بگیرد تا ایران امکان فرآوری دوباره مواد قابل بهره‌برداری در جنگ‌افزار اتمی را نداشته باشد. بر این اساس، وزیر امور خارجه آمریکا، هیلاری کلینتون تصریح کرده که آمریکا نگران نیروگاه بوشهر نیست، بلکه از بابت دیگر سایت‌های اتمی ایران نگران است. کلینتون همچنین تأکید کرده که مشکل ما راکتور آنان در بوشهر نیست، مسئله تشکیلات اینچینی در نطنز و تأسیسات مخفی در قم و جاهای دیگر است که به اعتقاد ما آنان در حال پیشبرد برنامه تولید جنگ‌افزار اتمی هستند.

نویسنده در ادامه با القای رویکردی منفی نسبت به برنامه هسته‌ای ایران، معتقد است که دولت ایران ادعا می‌کند که برنامه اتمی‌اش در راستای تولید انرژی و دیگر استفاده‌های صلح‌آمیز از آن به‌کار می‌رود، اما ایران با داشتن زمینه مخفی‌کاری برنامه‌هایش در گذشته و بلندپروازی‌هایش در به‌دست آوردن قدرت هرچه بیشتر در



منطقه، دولت‌های غرب را عمیقاً دچار این تردید می‌کند که این کشور می‌خواهد دست به تولید جنگ‌افزار هسته‌ای بزند. از سوی دیگر، نویسنده به تأخیر در آغاز فعالیت نیروگاه بوشهر اشاره می‌کند و تأکید می‌کند که مقامات ایران انکار می‌کنند که این تأخیر به دلیل پیدا شدن ویروسی اسرارآمیز به نام کرم «استاکس نت» در رایانه‌های چندین کارمند سایت بوشهر بوده و همچنین نمی‌پذیرند که مولد قدرت که بخشی از برنامه تولید جنگ‌افزار هسته‌ای شمرده نمی‌شود نیز آلوده به این کرم بوده است. از نظر ایران نیروگاه بوشهر استثنایی‌ترین نیروگاه جهان است و تا چند ماه آینده محصول تولید این برق وارد شبکه سراسری ملی می‌شود.

در این شرایط، همکاری ایران با آژانس انرژی اتمی ادامه دارد. بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از روشی طبیعی برای نظارت بر فرآیند پایانی بارگذاری سوخت بهره می‌برند و سپس با مهر و موم مرکز رآکتور از دستکاری جلوگیری به عمل می‌آید. از سوی دیگر اگرچه با وجود صفحه و دوربین‌های مدار بسته در نیروگاه، هرگونه جریان سوخت را می‌توان زیر نظر داشت و پیگیری کرد، اما آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ماه سپتامبر از آن شکایت داشت که ایران دو تن از زبده‌ترین بازرسی‌ش را از ورود به کشور منع کرده است. آژانس در گزارش خود تصریح کرده است که از ماه اوت ۲۰۰۸ ایران از پاسخ به پرسش‌هایی درباره احتمال وجود فعالیت‌های نامعلوم هسته‌ای در گذشته یا حال در ارتباط با سازمان‌های نظامی مرتبط یا توسعه هسته‌ای و ظرفیت ترابری موشک خودداری کرده است. تضمین و همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ضروری است، زیرا احتمال آن می‌رود که با گذشت زمان از اعتبار مدارک کاسته شود.



عنوان: مذاکرات جنگ را متوقف کنید^۱
نویسنده: رضا اصلان و برنارد آویشای
منبع: CASMII^۲

سفر نتانیا هو، نخست‌وزیر اسرائیل به آمریکا اگرچه ظاهراً بخشی از تلاش مجدد آمریکا برای آغاز مذاکرات صلح در خاورمیانه است، اما در واقع نوعی گفتگوی فوری درباره جنگ با ایران در میان است. اسرائیل همواره درصدد است که برنامه هسته‌ای ایران را مهمترین تهدید امنیت ملی خود معرفی کند، در حالی که حتی اسرائیل شک دارد که ایران هسته‌ای بلافاصله به تل‌آویو حمله خواهد کرد، با وجود این، اسرائیل، ایران هسته‌ای را تهدید حیاتی علیه خود می‌نامد. از نظر اسرائیل، یک بمب ایرانی، چتر هسته‌ای را برای موشک‌های حزب‌الله و فعالیت‌های حماس در منطقه تولید خواهد کرد. همچنین ایران هسته‌ای می‌تواند کشورهای خلیج فارس را وادار کند تا با ایران علیه آمریکا و هم‌پیمانان حامی‌اش، متحد شوند. لذا اسرائیل همواره تأکید دارد که تنها گزینه اسرائیل یعنی حمله پیشگیرانه - دقیقاً مانند همان که علیه راکتورهای اتمی سوریه و عراق انجام داد - می‌باشد و در این میان، فقط مسئله زمان حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران مطرح است.

نویسنده در ادامه با اشاره به گزارش اخیر فاکس نیوز - مبنی بر اینکه ۶۵ درصد از آمریکایی‌ها در ایالات متحده از حمله نظامی علیه ایران حمایت خواهند کرد - معتقد

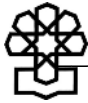
1. Reza Aslan and Bernard Avishai, Stop the War Talk, Campaign Against Sanctions and Military Intervention in Iran, 1 September, 2010.

۲. «جبهه مبارزه با تحریم و مداخله نظامی در ایران»، یک پایگاه تحلیلی با مقالاتی انتقادی نسبت به رویکرد غرب علیه ایران است.



است که به نظر می‌رسد این منطق جنگ در حال پذیرش همگانی است. با وجود این، اگر این منطق همین‌طور تداوم یابد و ارتش آمریکا اقدام بهتری علیه تجهیزات هسته‌ای ایران انجام ندهد، قطعاً آمریکا مورد سرزنش قرار خواهد گرفت و از پیامدهای هرگونه حمله پیشگیرانه از سوی اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران رنج خواهد برد. حال سؤال این است که در این شرایط چرا نباید ایالات متحده خود رأساً این حمله را انجام دهد؟ آیا نباید دوستان اسرائیل در آمریکا زمینه را فراهم کنند؟ نویسنده تأکید می‌کند که این موج تبلیغاتی باید توسط اوپاما متوقف گردد، زیرا حمله اسرائیل به ایران، حتماً به جنگ ویرانگر منطقه‌ای با پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی جهانی سرعت خواهد بخشید.

نویسنده در ادامه گزارش، تأکید می‌کند که ایران، سوریه نیست و این توانایی را دارد که حمله غافلگیرکننده به نیروگاه‌های هسته‌ای‌اش را بی‌درنگ تلافی کند. ایران، کشوری با ملتی ۷۰ میلیونی است، فرماندهان آن، به واسطه هشت سال جنگ با عراق، جنگ‌آموخته و ورزیده شده‌اند و توانایی جنگ طولانی و ممتد علیه منافع اسرائیل و آمریکا را دارند. ایران ارتش بزرگ مجهز با سیستم‌های جنگ‌افزاری ساخت روسیه، موشک‌های سطح به سطح، هواپیماهای رزمی، هواپیماهای بدون خلبان و ناو اژدرافکن سرعت بالا با قابلیت انهدام کشتی‌های جنگی دارد. نیروهای زبده پاسداران انقلاب اسلامی بُرد دسترسی خود را از جنوب لبنان تا آمریکای جنوبی گسترش داده‌اند و از نیروهای نظامی حزب‌الله و حماس حمایت می‌کنند. آنها اسرائیل را وادار به جنگ فرسایشی در جبهه‌های متعدد خواهند کرد.



اسرائیل احتمالاً مجبور به توسعه عملیات نظامی خود می‌شود که لبنان را هم دربر خواهد گرفت. این امر بلافاصله کل منطقه را در جنگ فرو خواهد برد، احتمالاً انتفاضه جدیدی در فلسطین به وجود خواهد آمد و فشار بی‌نهایت بزرگی بر رهبران مصر و اردن وارد خواهد شد تا قراردادهای صلح‌آمیزشان با اسرائیل را انکار کنند. اگر اسرائیل نقشه استفاده از فضای هوایی عربستان سعودی را کشیده است ایران هم تهدید کرده است که به این کشور حمله می‌کند. همچنین پس از حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران، آمریکا به سهم خود باید عقب‌نشینی نیروهایش از عراق و کاهش سربازانش در افغانستان را فراموش کند، زیرا بیشتر از ۳۰ هزار ایرانی مؤثر در عراق وجود دارند که آماده هستند تا دستور ایران را انجام دهند. ایران همچنین از وفادارای قابل توجه مقامات رسمی افغانستان و فرماندهان آنها به خصوص در مناطق بحرانی خیزی مانند هرات بهره‌مند است.

از سوی دیگر، ایران بارها گفته است که در صورت حمله، تنگه هرمز را می‌بندد که تقریباً ۱۷ میلیون بشکه نفت هر روز از آن عبور می‌کند و با این اقدام عملاً بهای نفت و ایرانی رونق مالی آمریکا افزایش می‌یابد. همه اینها می‌تواند بحران‌های جدی دیپلماتیکی را میان ایالات متحده - به‌عنوان حامی اسرائیل - و روسیه - به‌عنوان حامی ایران - را آن هم در زمانی که روابط ایالات متحده و روسیه در حال گسترش روابط هستند، به وجود آورد.

در ادامه گزارش، نویسنده بر مسئله عقلانیت سیاست خارجی ایران در مورد توانمندی‌های نظامی آن اشاره می‌کند و می‌نویسد که مقامات ایرانی می‌دانند که اسرائیل با دارا بودن بیشتر از ۲۰۰ کلاهک جنگی با زیردریایی‌های موشک‌انداز، توان ضدحمله متقابل دارد. آنها همچنین می‌دانند که خاکستر کردن اسرائیل به معنی

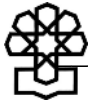


پرتوافکنی به تمام فلسطین است و همچنین اسرائیل نابود شده به معنای انهدام و ویرانی شهرهای بزرگ ایران خواهد بود.

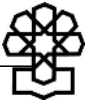
از سوی دیگر باید دانست که منظور نتانیا هو از چتر هسته‌ای چیست؟ آیا عدم وجود یک ایران هسته‌ای، جلوی جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ را گرفت؟ اگر جنگ از سر گرفته شود، یک ایران هسته‌ای جلوی اسرائیل را از حمله به مقر موشک‌های حزب‌الله در لبنان می‌گیرد؟ از نظر نویسنده، این مسائل نشان می‌دهد که بیشترین دلیل اینکه ایران به دنبال کسب توانمندی هسته‌ای است، استفاده از آن به عنوان مانعی در مقابل هجوم نیروهای نظامی دارای جنگ‌افزارهای مدرن است.

از سوی دیگر، برخلاف این ایده که اگر ایران یک قدرت هسته‌ای شود، کشورهای کوچک عربی حوزه خلیج فارس هیچ گزینه‌ای جز رها کردن قلمرو آمریکا و متحد کردن خودشان با ایران ندارند، صحیح نیست، زیرا فرض این که کشورهای حوزه خلیج فارس که مطلقاً وابسته فرهنگی، تکنولوژیکی و نظامی غرب هستند، به خاطر بمب با ایران متحد خواهند شد، احمقانه است. علاوه بر این، محمدالبرادعی، رئیس مصری سابق سازمان بین‌المللی انرژی اتمی، حمله به ایران را «کاملاً احمقانه» نامیده است، با این استدلال که منطقه را تبدیل به نارنجک بزرگی می‌کند و ایرانی‌ها بلافاصله ساخت بمب را شروع خواهند کرد و می‌توانند روی حمایت کلیه کشورهای اسلامی حساب کنند همچنین رئیس سابق اطلاعات اسرائیل و رئیس ستاد نظامی این رژیم نیز اخطارهای مشابهی را مطرح کرده‌اند.

این مسئله کاملاً آشکار است که بمب ایرانی منجر به خسارت‌های غیرقابل جبران معاهده منع تکثیر سلاح‌های اتمی، تهدید اسرائیل و مشکلات سیاست‌های خارجی



آمریکا می‌شود. همه دیپلماسی‌های فاقد خشونت باید برای پیشگیری از چنین وضعیتی مورد استفاده قرار گیرند. در این شرایط، اگر یک سال بعد ما با ایرانی مواجه شویم که در حال عبور از چارچوب هسته‌ای است، ضرر کمتری - نسبت به آنچه که در هوشیاری بعد از حمله برای پیشگیری از ایران هسته‌ای با آن مواجه می‌شویم - خواهد داشت. بنابراین اگر او با ما قدرت این ریسک را دارد، باید سریع‌تر روی اجماع مجدد جامعه جهانی قمار کند تا اسرائیل، فلسطین را در ظرف یک سال وادار به معامله کند. این امر به معنای پایان وفاداری رهبران ضدغربی به قدرت ایران نیست، ولی مطمئناً برای کاهش انگیزه حمله به اسرائیل کار بیشتری نسبت به عقب‌نشینی موقت از تمایلات برنامه‌های هسته‌ای انجام می‌دهد.



عنوان: ایران مخفیانه در کشورهای اسلامی بانک تأسیس می‌کند^۱

نویسنده: گلن کسلر

منبع: Washington post^۲

وزارت خزانهداری آمریکا ۱۶ بانک ایرانی را به ظن حمایت از برنامه اتمی و فعالیت‌های تروریستی تهران، در فهرست سیاه خود قرار داده و به تبع آن دیگر کشورها نیز اقدام مشابهی را علیه این بانک‌های ایرانی در پیش گرفتند. واشنگتن پست به نقل از مقامات آمریکایی تلاش ایران برای فعالیت‌های بانکی جدید را نشانی از ثمربخش بودن تحریم‌های اقتصادی علیه ایران قلمداد می‌کند و می‌نویسد ایران در مسیر تأسیس بانک‌های جدید موفق بوده است. این روزنامه به نقل از یک مقام ارشد دولتی می‌نویسد: «آنان می‌خواهند در جاهایی که گمان می‌کنند از دسترس آمریکا در امان است، بانک‌هایی را تأسیس کنند». در عراق، به گفته یک مقام این کشور، ایران حداقل دو بانک را در بغداد تأسیس کرده است که یکی از آنها با بانک ملی - بزرگ‌ترین بانک تجاری ایرانی - مرتبط است. واشنگتن پست می‌نویسد مقامات وزارت خزانهداری آمریکا طی هفته‌های اخیر از نقاط گوناگون جهان از جمله کشورهای چون آذربایجان، ترکیه، امارات متحده عربی، بحرین و لبنان دیدار کردند تا پیروی این کشورها از تحریم‌های اعمال شده علیه ایران را مستحکم کنند. وزارت خزانهداری و امور خارجه آمریکا به مقامات محلی درباره خطرهای ریشه دواندن چنین عملیاتی در

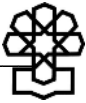
1. Glenn Kessler, "Iran Secretly Trying to Establish Banks in Muslim Nations", Washington Post, 21 October, 2010.

۲. از روزنامه‌های معتبر آمریکاست.



کشورهایشان هشدار داده‌اند. باکو، پایتخت آذربایجان محل استقرار شعبه‌ای از بانک ملی است و ماه گذشته گزارش‌های منتشر شده در آذربایجان از پیشنهاد ایران به باکو مبنی بر تأسیس بانکی مشترک میان دو کشور خبر دادند. در سال ۲۰۰۸، وزارت خزانهداری آمریکا گفت بانک موسوم به «فیوچر بانک» در بحرین از سوی بانک ملی ایران اداره می‌شود، اما این بانک هنوز به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

در این زمینه، وزیر امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی در واشنگتن به خبرنگاران گفت: «ایران در نتیجه اعمال تحریم‌ها با برخی مشکلات مواجه شده است». او گفت: «جهان بزرگ است و افرادی که با ما رابطه تجاری دارند راه‌هایی را برای انتقال پول پیدا می‌کنند». حسینی افزود: «وقتی راه آب را می‌بندید، آب راه خود را از جای دیگری باز می‌کند». واشنگتن پست در ادامه به نقل از «متیو لویت»، یک مقام سابق وزارت خزانهداری آمریکا و مدیر برنامه مقابله با تروریسم مؤسسه واشنگتن برای سیاستگذاری خاور نزدیک، می‌نویسد: «ما همواره با ایران بازی موش و گربه داشته‌ایم». او می‌گوید حتی اگر ایران با موفقیت در کشورهای دیگر بانک تأسیس کند، این بانک‌ها برای انجام حجم بالایی از مراودات بانکی که ایران از دست داده است، بسیار کوچک و ناکافی خواهند بود. امارات متحده عربی سال‌ها کانالی مهم برای مراودات پولی و جنسی ایران بوده است، اما از زمان صدور تازه‌ترین دور تحریم‌های شورای امنیت در ژوئن ۲۰۱۰، امارات متحده عربی از طریق کاهش رابطه مالی با بانک‌های ایرانی که نامشان در فهرست سیاه واشنگتن قرار دارد، سختگیری‌هایی را بر فعالیت‌های ایران اعمال کرد. در پاسخ، به گفته مقام ارشد دولتی آمریکایی، به نظر می‌رسد ایران، مالزی را به عنوان یک قطب جدید اقتصادی برگزیده است. به نوشته



واشنگتن پست، مالزی یک مرکز مراوده محموله‌های تجاری، برای کالاهای مشکوک ایران بوده است و اقدام اخیر ایران، مالزی را از نظر منطقی، به مکانی مناسب برای مراودات مالی ایران تبدیل می‌کند. اما امسال، دولت مالزی اعلام کرد یک قانون کنترل صادرات را فعال کرده است که قصدش مستحکم کردن توانایی این کشور برای شناسایی موادی است که در ساخت سلاح‌های کشتار جمعی کاربرد دارد. مقامات آمریکایی بارها به خطر افتادن اعتبار و نام مؤسسات مالی کشورهای مختلف را در صورت ادامه رابطه با نهادهای ایرانی، گوشزد کرده‌اند. بانک‌های بین‌المللی عمده، مانند لیویدز، کردیت سویس و بارکلیز به دلیل ادامه روابط مالی که منشأ آنها ایران بود و یا تغییر سابقه مراودات مالی برای پنهان کردن چنین روابطی، داشته‌اند ازسوی مقامات آمریکایی، صدها میلیون دلار جریمه شده‌اند.



عنوان: کره جنوبی با احتیاط تحریم‌های ایران را به اجرا گذاشت^۱

نویسنده: ایوان رامستاد

منبع: Wall Street Journal^۲

یکی از تحولات اخیر در مورد تحریم ایران، اعمال برخی از تحریم‌های بین‌المللی ازسوی کره جنوبی علیه ایران است. در این شرایط، کره جنوبی میان متحد نزدیکش یعنی آمریکا و شریک تجاری‌اش یعنی ایران قرار گرفته است. بنابراین از یک‌سو، کره جنوبی تصمیم گرفته است تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل را به اجرا گذاشته و برای توقف برنامه هسته‌ای ایران کمک کند و ازسوی دیگر کلیه راه‌های خود برای تعامل با ایران را هم کامل نبسته است. در واقع، آمریکا یک ماه پس از تصویب دور چهارم تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران، اگرچه توانسته است کمربندی از حامیان و مجریان این تحریم‌ها در اتحادیه اروپا، ژاپن، استرالیا درست کند تا جلوی حرکت ایران به سمت ساخت بمب اتمی را بگیرند، اما کره جنوبی که ۱۰ درصد نفت مورد نیاز خود را از ایران تهیه می‌کند و روابط تجاری دیگری هم با تهران دارد، تمایلی برای اعمال تحریم‌ها نداشته است زیرا مقامات ایرانی تهدید کرده‌اند در صورت اعمال تحریم‌ها، تلافی خواهند کرد. بنابراین مقامات اقتصادی و وزارت خارجه کره جنوبی به دنبال راهی هستند که هم با شورای امنیت سازمان ملل همکاری داشته باشند و هم منافع اقتصادی خود با ایران را حفظ کنند چنانچه در هفت ماه اول سال ۲۰۱۰ حجم مبادلات تجاری کره با ایران حدود هفت میلیارد دلار بوده

1. Evan Ramstad, South Korea Cautiously Penelize Iran, Wall Street Journal, 8 September, 2010.

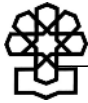
۲. از نشریات معتبر و پرتیراژ آمریکایی است.



است. در این زمینه، یک مقام دولتی کره جنوبی گفته است که ما در حال ارزیابی نوع واکنش ایران در قبال تحریم این کشور هستیم و سعی داریم که خسارت‌ها را به حداقل برسانیم تا ضرری به تجارت و مردم وارد نشود.

در این میان، یکی از این اقدامات تنبیهی کره جنوبی علیه ایران، تحریم بانک ملت، دومین بانک تجاری بزرگ ایران است که در کره جنوبی هم شعبه دارد. بانک ملت دو شعبه در خارج از کشور دارد که یکی در سنئول و دیگری در ترکیه است و مقامات آمریکا، خواهان تعطیلی این شعبه در سنئول شده‌اند. سنئول می‌گوید معاملات بانک ملت در کره جنوبی از این به بعد با تأیید بانک مرکزی کره خواهد بود و بدون تأیید و مجوز بانک مرکزی کره، حتی یک دلار را نمی‌توانند منتقل کنند. از سوی دیگر، مقامات رسمی کره تأکید کرده‌اند که اگر ایران از این قوانین سرپیچی کند، از ۲ تا ۶ ماه فعالیت‌های این بانک را تعلیق خواهند کرد و ممکن است با نظر نهاد نظارتی، این تعلیق تمدید شود. براین اساس، کره جنوبی عملاً به ایران هشدار می‌دهد که هرگونه مجازات تنها در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران است.

با وجود این، کره جنوبی اگرچه هماهنگ با آمریکا، فعالیت‌های بانک ملت را در راستای کمک به برنامه هسته‌ای و موشکی ایران ارزیابی کرده است، اما برای کمک به صنایع متوسط و کوچک و بازار تجارت، حساسی در بانک مرکزی ایران باز کرده تا تجارت‌های غیرنظامی و غیرحساس از کانال آن انجام شود. از سوی دیگر، کره جنوبی تأکید کرده است که تحریم‌ها در مورد ۴۰ شخصیت حقیقی و ۱۰۲ شخصیت حقوقی ایرانی براساس تحریم‌های سازمان ملل را اجرا می‌کند و تمامی این افراد و شرکت‌های مرتبط با کشتیرانی جمهوری اسلامی را تحریم می‌کند. در این شرایط به نظر می‌رسد که این تحریم‌ها شدید بوده و کره جنوبی مجبور خواهد بود بهای آن را بپردازد.



عنوان: ترکیه زیر بار فشار آمریکا در مورد ایران نمی‌رود^۱

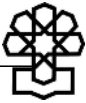
نویسنده: پال ریچر

منبع: World Politics Review^۲

نویسنده معتقد است ترکیه تلاش آمریکا برای متقاعد ساختن آن کشور در کاهش سطح مناسبات تجاری‌اش با ایران را علیرغم لابی‌گری‌های مصرانه آمریکا با آنکارا، رد کرده است. معاون نخست‌وزیر ترکیه، در واشینگتن در مورد چگونگی عمل کردن شرکت‌های آن کشور به تحریم‌های اروپایی و آمریکایی برای کاهش تجارت با ایران به خبرنگاران گفت آنها آزادند خودشان تصمیم بگیرند. ترکیه طرف تجاری عمده‌ای با این همسایه شرقی است و کوتاهی آن در عمل کردن به تحریم‌ها، ثمربخشی آنها را تهدید می‌کند. رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر ترکیه ماه گذشته گفته بود کشورش می‌خواهد تجارت با ایران را سه برابر کند. دولت اواما در هفته‌های اخیر برای ترغیب ترکیه به رعایت تحریم‌ها، تلاشی عمده انجام داده است. استوارت لوی، مسئول امور تحریم‌های ایران در وزارت خزانه‌داری آمریکا، به آنکارا، سفر کرد تا از مقامات آن کشور بخواهد با تلاش‌های مرتبط با تحریم علیه ایران همکاری کنند. این در حالی بود که مقامات آمریکایی در واشینگتن گسترش مناسبات بازرگانی میان آمریکا و ترکیه را پیشنهاد می‌دادند. با این حال، باباجان، که یکی از بنیانگذاران حزب حاکم عدالت و توسعه در ترکیه است، گفت در حالی که بسیاری از شرکت‌های اروپایی، چینی و روسی کماکان با ایران، روابط تجاری عمده‌ای دارند، قطع مناسبات شرکت‌های ترک

1. Paul Richter, Turkey Rebuffs U.S. Pressure to Slash Trade with Iran, World Politics Review, 21 October, 2010.

۲. از پایگاه‌های تحلیلی معتبر سیاست بین‌المللی است.



با شرکت‌های ایرانی عاقلانه نیست. ترکیه یک‌سوم انرژی مورد نیاز خود را از ایران می‌گیرد و مبادلات بازرگانی دو کشور که ارزش آن بیش از ۱۰ میلیارد دلار است، به خصوص برای مناطق فقیرنشین ترکیه در مجاورت مرز ایران اهمیت دارد. به‌رغم واکنش دولت ترکیه، تحریم‌های آمریکایی و اروپایی نیش‌هایی هم دارد که گزیدن بانک‌های ترکیه از جمله آنهاست و بانک‌های ترکیه در صورت معامله با شرکت‌های طرف تجارت با ایران می‌توانند با خطر ازدست دادن دسترسی به بازارهای آمریکا مواجه شوند. در همین حال دولت اوپاما تلاش می‌کند شرکت‌های چینی را زیر فشار بیشتری بگذارد که رفتارشان بزرگ‌ترین تهدید علیه تحریم‌هاست. به‌نظر می‌رسد شرکت‌های چینی هم‌زمان با اقدام شرکت‌های دیگر در قطع مناسبات با ایران، جای آنها را در بخش‌های انرژی، مالی و تسلیحاتی پر می‌کنند.



عنوان: معامله آمریکا با شرکت‌های نفتی، ایران ایر را با مشکل مواجه می‌کند^۱
نویسنده: توماس اردبرینک
منبع: Washington post^۲

نویسنده این مقاله معتقد است که موافقتنامه اخیر میان آمریکا و چهار شرکت بزرگ نفتی اروپا با هدف منزوی‌تر کردن ایران صورت گرفته است تا از این طریق ایران را که پیش از این نیز زیر فشار تحریم‌ها، توان تأمین سوخت هواپیماهای شرکت هواپیمایی ملی جمهوری اسلامی را نداشته است را به زانو درآورد. در واقع، مشکل تأمین سوخت ایران به دنبال تصمیم جدید دولت اوپاما برای فراتر رفتن از تحریم‌هایی است که در تلاشی گسترده، شرکت‌های بین‌المللی را از معامله با ایران منع می‌کند. براین اساس، به‌نظر می‌رسد سیاست پیشین آمریکا، از حفظ همسویی با مردم ایران نیز تغییر جهت داده و بیشتر درصدد اعمال فشار بیشتر بر سازمان‌های دولتی و برنامه هسته‌ای ایران است. در این شرایط، مقامات آمریکا اکنون پذیرفته‌اند که فشارهای روزافزون علیه ایران، به مردم عادی نیز آسیب می‌رساند، اما آنان تأکید دارند که مردم ایران باید رهبران‌شان را مقصر منزوی‌تر شدن فزاینده کشورشان در نظام بین‌الملل و اعمال تحریم‌های گسترده بدانند.

از سوی دیگر، با اعلام موافقتنامه اخیر میان شرکت توتال فرانسه، استات اوایل نروژ، انی ایتالیا، رویال دوچ شل بریتانیا و هلند در واشنگتن، این شرکت‌ها متعهد شده‌اند که به سرمایه‌گذاری در ایران پایان دهند و از فعالیت‌های تازه در بخش انرژی

1. Thomas Erdbrink U_S_ Deal with European Oil Firms Hobbles Iran Air, Washington Post, 16 October, 2010.

۲. از روزنامه‌های معتبر آمریکایی است.

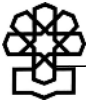


ایران بپرهیزند. مقامات آمریکایی اعلام کرده‌اند که در این صورت، این شرکت‌ها از جریمه احتمالی به‌خاطر معامله با ایران معاف خواهند بود.

علاوه بر این، در هفته‌های اخیر چندین شرکت عمده نفتی و از جمله بریتیش پترولیوم، رویال دوچ شل و کیو ۸ - مؤسسه نفتی کویت - قرارداد تأمین سوخت هواپیمایی ایران ایر را ناگهان لغو کرده‌اند. مقامات دولتی آمریکا با رضایت از اقدام این شرکت‌ها، امیدوارند که جنبش چند شرکت بزرگ نفتی سرآغاز موجی باشد که به دیگر بخش‌های صنعت نیز سرایت کند. از نظر آمریکا، هدف تحریم‌ها این است که معامله شرکت‌ها با ایران پایان بگیرد و دیگر شرکت‌ها نیز رفتار شرکت‌هایی که احساس مسئولیت می‌کنند را ببینند و از این رفتار پیروی کنند.

در این شرایط، با توجه به لغو قرارداد سوخت هوایی، تمام هواپیماهای ایران به مبدأ آمستردام، لندن، استکهلم و دیگر شهرهای اروپایی مجبور می‌شوند که برای سوختگیری، توقف‌های طولانی در فرودگاهی در آلمان و یا اتریش داشته باشند. در این دو فرودگاه نیز تأمین سوخت از شرکت‌های توتال فرانسه و او.ام. وی اتریش برای این خط هوایی ۶۶ ساله، تنها تا پایان قرارداد - احتمالاً تا آخر ماه آینده - امکانپذیر خواهد بود. پس از آن «ایران ایر» مجبور به لغو پرواز می‌شود و یا شمار پروازهای این شرکت به‌شدت کم خواهد شد.

درواقع، مشکل سوخت‌گیری ایران ایر از زمانی آغاز شده است که آمریکا با اعمال فشار آوردن درصد توقف برنامه هسته‌ای ایران و اشخاصی که با ایران معاملات مالی، بیمه و یا ترابری دارند برآمده است.



پیش از این نیز در طی اقداماتی برای منزوی کردن ایران، تحریم‌هایی علیه سپاه پاسداران یا سازمان انرژی اتمی ایران اعمال شده بود با وجود این، تحریم‌های اخیر که برای فروش فرآورده‌های پالایشگاهی به ایران محدودیت قائل می‌شود و طی فشار فزاینده‌ای بر معامله با ایران، آنان را وادار می‌کند که از ایران فاصله بگیرند، اکنون بر بخش خصوصی و شهروندان عادی تأثیر خود را نشان می‌دهد و عملاً واردات کالاهای گوناگون، هر روز دشوارتر می‌شود.

در این شرایط، با تشدید تحریم سوخت هواپیماهای ایران، مقامات ایران تأکید می‌کنند که علیرغم مشکلات بسیار - مانند از دست دادن زمان، تعداد مسافر و درآمد شرکت‌های هوایی ایرانی - پروازها به اروپا ادامه خواهد داشت و برای صرفه‌جویی در سوختی که از تهران تأمین می‌شود اگر لازم شد با نیمی از ظرفیت پرواز خواهد شد. در این وضعیت، تداوم این سیاست آمریکا سبب تشدید فشارها علیه مردم ایران نیز خواهد شد.



عنوان: مبادلات تسلیحاتی چگونه خاورمیانه را شکل می‌دهد^۱

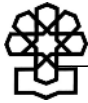
نویسنده: کریستن چیک

منبع: Christian Science Monitor^۲

دولت‌های حاشیه خلیج فارس به خرید تسلیحات از ایالات متحده برای مقابله با تهدید فزاینده ایران و دیگر خطرات منطقه‌ای می‌افزایند. این قراردادهای تسلیحاتی نشان می‌دهد که ایالات متحده اکنون تا چه حد به متحدین خود در خلیج فارس به چشم حلقه اصلی کنترل ایران می‌نگرد. طبق گزارش دیوان محاسبات دولت آمریکا، این کشور از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ بالغ بر ۳۷ میلیارد دلار اسلحه به کشورهای حاشیه خلیج فارس، شامل عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، قطر و کویت فروخته است. قرارداد اخیر میان عربستان سعودی و آمریکا، که انتظار می‌رود به زودی توسط کنگره مهر تأیید دریافت کند، ارزشی ۶۰ میلیارد دلاری دارد. این قرارداد شامل تحویل ۸۴ جنگنده اف-۱۵ جدید و به روز کردن ۷۰ فروند دیگر از همین نوع و همچنین تحویل سه‌گونه هلیکوپتر شامل ۷۲ فروند بلک هاوک، ۷۰ فروند آپاچی و ۳۶ فروند لیتل بُرد است. به علاوه، مقام‌های رسمی آمریکا در حال مذاکره بر سر بسته قراردادی ۳۰ میلیارد دلاری برای افزایش توان نیروی دریایی عربستان سعودی هستند.

1. Kristen Chick, "How Arms Deals are Shaping the Mid East", Christian Science Monitor, 6 October, 2010.

۲. از نشریات معتبر که طیف گسترده‌ای از مسائل بین‌المللی را منعکس و مورد ارزیابی قرار می‌دهد.



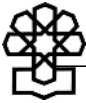
همچنین انتظار می‌رود که تا سال آینده، آمریکا با فروش سیستم دفاع موشکی میدان عملیاتی با ارتفاع بالا به امارات متحده عربی موافقت کند.

روسیه نیز از تأمین‌کنندگان بزرگ اسلحه خاورمیانه بوده است. در سال ۲۰۰۷ مسکو با تحویل موشک‌های کروز ضدکشتی پی-۸۰۰ به سوریه موافقت کرد. اسرائیل مصرانه و با این استدلال که این موشک‌ها ممکن است به دست گروه حزب‌الله بیافتد مخالفت کرد. در ماه سپتامبر روسیه اعلام کرد که این معامله انجام خواهد شد. با وجود این، قرارداد ۸۰۰ میلیون دلاری با ایران، برای فروش سیستم دفاع ضد موشکی اس-۳۰۰، با اعلام اینکه این کار نقض قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل علیه ایران است از طرف روسیه منتفی اعلام شد، اما در دهه گذشته ایران بیش از ۵ میلیارد دلار اسلحه از روسیه خریداری کرده است.

بسیاری بر این باورند که قرارداد آمریکا با عربستان سعودی بابت نگرانی از قدرت رو به افزایش ایران و تردیدها پیرامون گسترش سلاح‌های هسته‌ای از سوی این کشور است. ایالات متحده به شکل فزاینده‌ای نگران ایران است و کشورهای حاشیه خلیج فارس - خصوصاً عربستان سعودی - را به چشم شرکای اصلی برای تحدید قدرت جمهوری اسلامی می‌نگرد. این قرارداد همچنین می‌تواند سعودی‌ها را از جستجوی بمب اتم منصرف کند. قراردادهای اخیر علاوه بر افزایش ظرفیت‌های نظامی دولت‌های حاشیه خلیج فارس، روابط امنیتی ایالات متحده با این ملت‌ها را مستحکم خواهد کرد. آنتونی کردزمن از مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک در واشنگتن تصریح می‌کند که فروش تسلیحات پیشرفته به عربستان سعودی به این معنی است که نقش حمایتی آمریکا - برای نگهداری و آموزش - حداقل برای یک دهه باقی است،



و این دو مسئله، کشور را متعهد به روابطی وابسته و دوجانبه خواهد کرد. خریدهای اخیر دولت‌های خلیج فارس قسمتی از یک استراتژی بلندمدت است. حتی پس از اینکه این خریدها به مرحله نهایی رسید، هنوز زمان زیادی باقی است تا آموزش و به‌کارگیری برخی سیستم‌های تسلیحاتی کامل شود.



عنوان: ایران و آمریکا برای نفوذ در عراق رقابت می‌کنند^۱

نویسنده: رابرت دریفوس

منبع: The Nation^۲

نتیجه انتخابات پارلمانی عراق نشان‌دهنده شکاف‌های اساسی سیاسی، قومی و فرقه‌ای در عراق بود. حزب سکولار العراقیه، به رهبری یک سکولار شیعی، به نام ایاد علاوی، که توسط تقریباً تمامی رأی‌دهندگان عرب سنی حمایت می‌شود، ۹۱ کرسی از پارلمان ۳۲۵ نفره عراق را از آن خود کرد. حزب دولت قانون، وابسته به نخست‌وزیر نوری‌المالکی، که عمده حمایت خود را از شیعیان می‌گیرد موفق به کسب ۸۹ کرسی شد. ائتلافی از مذهب‌یون شیعه، برنده ۷۰ کرسی شدند. کردها که درون خود نیز انشعاباتی دارند، ۵۷ کرسی را به‌خود اختصاص دادند. از آنجا که نخست‌وزیر آینده نیازمند ۱۶۳ کرسی خواهد بود - و در عمل اگر بخواهد دولتی باثبات تشکیل دهد به بیشتر از آن نیاز خواهد داشت - یک چانه‌زنی اساسی برای احراز این پست ضروری می‌نماید.

در این شرایط، مقتدی صدر با نخست‌وزیری مالکی موافقت کرده است. این مسئله زنگ خطر را برای آمریکا به صدا در آورده است، زیرا مقتدی صدر سرسختانه مخالف اشغال عراق توسط آمریکا است و احتمالاً مخالف ادامه حضور آمریکا پس از ۲۰۱۱ در عراق - یعنی زمان در نظر گرفته شده برای خروج ۵۰ هزار نظامی آمریکایی باقی مانده در عراق - نیز هست. اگرچه صدر گرایش‌های ناسیونالیستی قوی دارد، در سال‌های اخیر بسیار به ایران نزدیک شده است و نقش

1. Robert Dreyfuss, "United States, Iran Vie for Influence in Iraq", The Nation, 5 October, 2010.

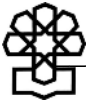
۲. از نشریات معتبر و باسابقه در آمریکاست.



اساسی او در دولت آینده عراق عکس‌العمل شدید آمریکا را در پی خواهد داشت، زیرا این امر به این معناست که این ایران - و نه آمریکا - است که قدرت محوری در عراق را دارد. اما در حقیقت علاوی به هیچ‌وجه بیرون از صحنه نیست. اخیراً گزارش‌های معتبری از مذاکرات علاوی و مالکی درباره تشکیل ائتلافی بزرگ به‌دست رسیده است، که در آن ائتلاف جدید مالکی - صدر را به بلوک علاوی پیوند خواهد زد. این امر هنوز تحقق نیافته و مشکلات زیادی می‌تواند در راه آن ایجاد شود.

تا به حال علاوی گفته است که از دولتی که به رهبری مالکی باشد حمایت نخواهد کرد. اما بنابر مفاد توافق حاصل شده، علاوی رئیس‌جمهور عراق خواهد شد و از قدرت نخست‌وزیری مالکی کاسته خواهد شد. ایالات متحده، به همراه عربستان سعودی، مصر، کشورهای حاشیه خلیج فارس و ترکیه قویاً از حضور علاوی در دولت آینده حمایت می‌کنند. همه آنها علاوی را بیشتر نماینده سنی‌های عراق و نتیجتاً متمایل به مقاومت در برابر نفوذ روزافزون ایران در عراق می‌نگرند. اما، نشانه بد برای آمریکا این است که توافق مالکی - علاوی - صدر نه در آمریکا، بلکه در ایران صورت گرفته است. اخیراً علاوی با رئیس‌جمهور سوریه، بشار اسد دیدار کرد و بنابر بعضی تفاسیر از او خواست تا با ایران برای ترتیب یک توافق هم‌فکری کنند.

اگر علاوی و مالکی به همراه صدر به توافق برسند، بی‌شک ایالات متحده از آن حمایت خواهد کرد، این چیزی است که آمریکا همیشه خواستار آن بوده، یعنی ائتلافی وسیع در دولت عراق که همگی دسته‌بندی‌ها را در برگیرد. اما واقعیت این است که درحالی که نیروهای آمریکایی آماده تدارک برای ترک عراق در سال آینده هستند نفوذ ایران رو به افزایش است.



عنوان: ایران، مشکل عراق نیست^۱

نویسنده: جمیل مروئی

منبع: Daily Star^۲

نوری مالکی، نخست‌وزیر عراق، برای جلب حمایت ایران برای ادامه تصدیق‌اش در این سمت، به ایران سفر کرد، اما همزمان ایاد علاوی، رقیب اصلی نوری مالکی، به همین دلیل ایران را متهم به مداخله در امور داخلی عراق نمود. از نظر نویسنده این گزارش، اگرچه که ایران درحال مداخله در امور داخلی عراق است، اما عربستان سعودی، سوریه و مصر هم درحال مداخله در عراق هستند. در این زمینه حتی ایالات متحده با آموزش ارتش جدید و نیروهای پلیس عراق در راستای منافع ملی خود گام برمی‌دارد. در واقع، همسایه‌های عراق صرفاً از قوانین و قواعد سیاست بین‌الملل پیروی می‌کنند و اگر خود عراقی‌ها نتوانند اختلافات سیاسی‌شان را برطرف کنند و به سازش برسند، دیگر بازیگران همواره به مداخله در امور داخلی عراق می‌پردازند تا اهداف خود را در این کشور و در منطقه به پیش ببرند.

در این شرایط، نخبگان سیاسی عراق در صورتی‌که نتوانند خودشان کشورشان را اداره کنند باید نگاهی به لبنان - و نه دورتر از آن - بیاندازد و منتظر مداخله بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در کشورشان باشند. براین اساس، وقتی نخبگان و برگزیدگان سیاسی در ایجاد برنامه‌ای ملی شکست بخورند و در باتلاق دشمنی‌های قومی و قبیله‌ای فرو روند، یک کشور به شکار همسایه‌هایش درمی‌آید. در این

1. Jamil K, Mroue, Iran is not the Problem in Iraq, The Daily Star, 19 October, 2010.

۲. یکی از نشریات معتبر منطقه‌ای در خاورمیانه است.



وضعیت، به نظر می‌رسد سرنوشت سیاسی عراق، موضوعی است که تقریباً به صورت کامل به قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بستگی دارد. بنابراین ایران، همانند هر بازیگر سیاسی، در حال تلاش برای کسب سود و منفعت از این خلاء قدرت در عراق است. در واقع، ایران، سرچشمه و منبع مشکلات در عراق نیست، زیرا ایران تنها به دنبال منافع خود در عراق است - مسئله‌ای که کلیه بازیگران سیاسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قبال عراق به دنبال آن هستند - لذا منشأ اوضاع آشفته بغداد، شکست رهبران سیاسی عراق در موافقت با یک برنامه و طرح ملی است. آنها با هم در مسائل و موضوعات مربوط به دیدگاه، برنامه و طرح‌های پیشنهادی، اختلافات اساسی دارند و هرکدام برای اداره کشور به دیگری اعتماد نمی‌کنند. شرایط نابسامان عراق به دلیل ارجحیت منافع مذهبی و قومی گروه‌های مختلف بر منافع ملی است و تنها راه‌هایی از شرایط کنونی، همکاری مشترک کلیه جریان‌های سیاسی این کشور است.



عنوان: احمدی‌نژاد در لبنان^۱

نویسنده: رمی‌جی خوری

منبع: Agence Global^۲

اگر برای تعریف نبرد ایدئولوژیک امروز خاورمیانه، لحظه نمادینی قابل تصور باشد، این لحظه همان دیدار محمود احمدی‌نژاد از لبنان است. این دیدار مباحثی داغ در رسانه‌های لبنان و منطقه به راه انداخته است، که بیشتر آنها - مانند هر چیز دیگر که مربوط به ایران و حزب‌الله و اسرائیل و آمریکا است - دارای دو طرف مخالف و موافق است. این لحظه، لحظه تنش و نمایش است، اما قدر یقین‌راهی برای نوآوری سیاسی یا تغییری بنیادین نیست. بازدید احمدی‌نژاد از مرزهای شمالی اسرائیل برای بسیاری از اسرائیلی‌ها و متحدان غربی آنان کابوسی به‌شمار می‌آید، در حالی که برای حزب‌الله و متحدانش در منطقه، لحظه‌ای قابل تقدیر از مقاومت است که باید برای مدتی طولانی احساس شود.

شور و حرارت در دو طرف بالاست، زیرا این یک بازدید عادی و یک بعدی نیست، بلکه امری است چندبعدی که بر چند مسئله به غایت احساسی و داغ در منطقه سایه می‌اندازد. زیرا کمک ایران به حزب‌الله برای تبدیل شدن به قدرت غالب در لبنان و تبدیل شدن به یک بازیگر مهم منطقه‌ای در رویارویی اعراب - اسرائیل، احتمالاً تنها پیروزی سیاست خارجی انقلاب اسلامی است. ترکیب حزب‌الله و ایران باعث ترس بسیاری در لبنان، کشورهای عرب منطقه، اسرائیل، آمریکا و دیگر سرزمین‌های غربی

1. Rami G. Khouri, "Ahmadinejad in Lebanon", Agence Global, 13 October, 2010.

۲. از پایگاه‌های تحلیلی مسائل بین‌المللی است.



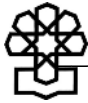
است. نتیجتاً سفر رئیس‌جمهور ایران به لبنان در یک آن، تمامی این ترس‌ها را زنده می‌کند، که چهار مورد آن آشکارتر از بقیه است.

اولین آنها ترس بسیاری از لبنانی‌ها در سه حوزه جدا است:

۱. رشد نفوذ حزب‌الله می‌تواند تلاش برای اسلامی کردن کشور را در پی داشته باشد، که می‌تواند خصیصه متمایز هویت جامعه تکثرگرا و لیبرال لبنان را از بین ببرد.

۲. وابستگی حزب‌الله به ایران و سوریه نقش کشورهای خارجی را به‌طور مستقیم در مسائل داخلی لبنان تقویت کند.

۳. تعریف حزب‌الله از خود به‌عنوان جنبش مقاومت، که در واقع مقاومت در برابر اسرائیل (و گاهی در برابر دیگر نیروهای منطقه و حتی در درون لبنان است) این ترس را به‌وجود آورده است که ممکن است سرنوشت لبنان این باشد که در سال‌های آینده صحنه نبرد باقی بماند و تمام رنج و سختی‌های جنگ، بر سر مردم فرود آید. دومین ترس در میان اسرائیلی‌هاست که به‌دلایل متفاوت نگران حزب‌الله و ایران هستند. اسرائیل پس از آنکه نتوانست در حمله سال ۲۰۰۶ حزب‌الله را از میدان به در کند یا قابلیت تسلیحاتی آن را به حداقل برساند سرگردان است و این مسئله جنبش مقاومت شیعی لبنان را به اولین دشمن ترسناک اسرائیل تبدیل کرده، که نه توانسته با حمله مستقیم نظامی آن را از میان بردارد و نه با نفوذ بر سیاست خارجی آمریکا در منطقه قادر به مغلوب کردن آن بوده است. آمریکا و قدرت‌های غربی از ارتباط ایران و حزب‌الله ناخرسندند، زیرا این دو شکلی پیشرفته از مقاومت بومی خاورمیانه را در برابر تهدیدهای غرب و تحریم‌ها به نمایش می‌گذارند. قدرت‌های بزرگ غرب عادت به این ندارند که شاهد باشند کشورها و جنبش‌های کوچک خاورمیانه به‌راحتی دستورها



و تهدیدهای صادره از واشنگتن یا لندن یا هر پایتخت دیگر غرب را نادیده بگیرند. لبنان آزمون مهم آمریکاست، که می‌خواهد با حمایت از اکثریت دولت لبنان در مقابله با حزب‌الله آن را به مسیر دلخواه هدایت کند و این دیدار، ضربه‌ای سخت به استراتژی آمریکاست. برای بسیاری از دول عرب، رابطه ایران - حزب‌الله نمایانگر تمامی ترس‌هایی است که بر تصدی آنها حاکم است یعنی مسائلی - مانند یک جنبش شیعی در درون کشورهایی که عمدتاً حیات عمومی آنها در دست اکثریت سنی است؛ جنبش‌های مقاومت مردمی که جنگ را براساس استراتژی خود به پیش می‌برند؛ دخالت ایران در روابط اعراب و جنبش‌های توده‌ای عرب که با رقبای منطقه‌ای و اپوزیسیون در ارتباط هستند و در مقابل دولت‌های محافظه‌کار عرب، آمریکا و اسرائیل - مطرح است قرار دارند. در نتیجه قابل درک است که چرا بسیاری از مردم منطقه و دیگری در خارج از منطقه چنین سروصدایی برای بازدید محمود احمدی‌نژاد از لبنان به راه انداخته‌اند. اگرچه در سطحی دیگر، یعنی در واقعیت و نه در حوزه نمادین، این اتفاقی کاملاً عادی و بر طبق روال است که طرح جدیدی در نمی‌اندازد، بلکه بر همان واقعیت‌های سیاسی موجود تأکید دوباره می‌کند، که در دوطرف واکنش‌هایی برمی‌انگیزد.



عنوان: دستور کار مخفی ایران در سفر به لبنان^۱

نویسنده: الی لیک

منبع: Washington Times

سفر رئیس‌جمهور ایران به لبنان که با هدف ایجاد دستور کارهای جدید در لبنان و در منطقه خاورمیانه صورت گرفت پیامدهای بسیاری برای لبنان به دنبال دارد. اولین مسئله در این زمینه، تشدید فشارها بر دولت سعد حریری برای انصراف از تحقیقات سازمان ملل درباره ترور پدرش، رفیق حریری، بود. در واقع، دیدار احمدی‌نژاد از لبنان در درجه اول برای حمایت از حزب‌الله صورت گرفت تا در کمپینی که برای مقابله با تحقیقات بین‌المللی پرونده قتل رفیق حریری به راه انداخته شده بود، دست بالا را بگیرد. تحقیقات سازمان ملل در مورد پرونده قتل رفیق حریری مسئله مهم و چالش برانگیزی در لبنان به حساب می‌آید. ۱۱ قاضی این پرونده از سیستم قضایی لبنان هستند و لبنان حدود ۴۹ درصد از هزینه این دادگاه را می‌پردازد. در این ماجرا در ابتدا، دادگاه پرونده حریری، سوریه را متهم به ترور رفیق حریری کرد، اما در ماه گذشته میلادی، سعدی حریری، نخست وزیر لبنان گفت که این اشتباه بوده که مقصر را سوریه معرفی کرده بودند و دمشق را به عنوان عامل کشتار پدرش معرفی کردند. پس از این ماجرا زمزمه‌هایی در مورد اتهام به حزب‌الله لبنان مطرح شد. این درحالی است که آمریکا در زمان جورج بوش و هم درحال حاضر و ریاست‌جمهوری باراک اوباما، از برگزاری دادگاه بین‌المللی پرونده ترور رفیق حریری حمایت کرده است. چنانچه اخیراً نیز فیلیپ کراولی سخنگوی

1. Eli Lake, "Hidden Agenda in Iranian's Lebanon Trip?" Washington Times, 13 October, 2010.

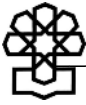


وزارت خارجه آمریکا بار دیگر به این حمایت اشاره کرد و گفت: هیچ‌گونه اراده‌ای نباید جلوی عدالت و پرونده تعقیب ترور رفیق حریری را بگیرد. از نظر آمریکا، تعقیب برای برگزاری دادگاه پرونده ترور رفیق حریری به نفع اعتبار آمریکاست و این حمایت و تعقیب جدی در هفته‌های گذشته شروع شده و مذاکرات سیاسی برای آن، ادامه دارد. این مسائل سبب شده است که یکی از مهمترین اهداف سفر احمدی‌نژاد به لبنان تلاش برای مقابله با اتهام به حزب‌الله لبنان در ماجرای ترور حریری شرایط حساس کنونی و نوعی نمایش قدرت حزب‌الله و اعلام حمایت ایران از آن است. حزب‌الله نگران است که در جریان پرونده ترور رفیق حریری، برخی از اعضای شبه نظامی این گروه مورد بازخواست قرار گیرند و به عنوان مقصر معرفی شوند. براین اساس، احمدی‌نژاد در جمع هوادارانش که بیشتر آنها از جریان حزب‌الله لبنان بودند، مورد استقبال قرار گرفت تا در جریان پرونده حریری در شرایط کنونی، موقعیت برتری را به دست آورند.

از سوی دیگر، دیدار احمدی‌نژاد از لبنان در همجواری با اسرائیل - درحالی که همواره احمدی‌نژاد خواهان نابودی اسرائیل بوده و کنفرانس انکار هلوکاست را هم برگزار کرده است به نوعی تحریک دولت اسرائیل بود. به گونه‌ای که یک عضو محافظه‌کار تندروی پارلمان اسرائیل پیشنهاد کرده بود که در صورتی که احمدی‌نژاد در خط آتش نیروهای مرزی اسرائیل قرار گرفت، هدف قرار گیرد. در این شرایط، احمدی‌نژاد در بیروت گفت که لبنان مدرسه مقاومت علیه قدرت‌های زورگو است و دانشگاه جهاد است تا بتوان به ارزش‌های والای انسانی رسید. این مسئله درحالی مطرح شد که در سال‌های گذشته ایران از راه سوریه، سلاح و مهمات به حزب‌الله می‌رسانده تا شهرهای اسرائیلی را هدف قرار دهند. در این زمینه حتی اوایل امسال



دیپلمات‌های آمریکایی از احتمال انتقال موشک‌های اسکاد به حزب‌الله لبنان از راه سوریه خبر داده بودند. با وجود این، احمدی‌نژاد راهی جنوب لبنان و نزدیک مرز مشترک با اسرائیل شد و در آنجا بر مواضع ضد اسرائیلی تأکید کرد. در این میان این سؤال وجود دارد که چرا دستگاه رهبری سیاسی لبنان، احمدی‌نژاد را از نزدیک شدن به مرز اسرائیل برحذر نداشت؟



عنوان: اعراب، میان ایران و ترکیه^۱

نویسنده: عبدالله اسکندر

منبع: Alhayat^۲

نویسنده در این گزارش تلاش کرده است رویکرد کشورهای عربی را در قبال ایران و ترکیه و تحولات منطقه‌ای مورد بررسی قرار دهد. بدین منظور در ابتدای گزارش تأکید می‌کند که اعراب درباره ارتباط با ایران به‌عنوان کشوری بزرگ با پیشینه پر بار تاریخی بسیار گفته‌اند و مواضع متعددی در این زمینه وجود دارد. در این میان، برخی از این اظهارنظرات بر پیشنهاد همکاری با ایران و چشم‌پوشی از تفاوت‌ها برای پیشبرد زمینه‌های مشترک تکیه دارد و در برخی دیگر از مواضع اعراب نیز، برای ایجاد فضای دوستانه برای حضور اعراب میان کشورهای منطقه، تلاش‌های رو به رشدی برای گسترش روابط با ترکیه تأکید می‌شود. این مواضع از چنان اهمیتی برخوردار است که در اجلاس اخیر سران عرب، مسئله‌ای با عنوان رابطه با کشورهای عرب همسایه در دستور کار قرار گرفت و لایحه‌ای برای تعریف چشم‌انداز این روابط و هدف‌های آن گردآوری شد.

با وجود این، چنین تمایلی برای گسترش روابط اعراب با ایران و ترکیه، مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را نیز بر کشورهای عربی تحمیل می‌کند. زیرا کشورهای عربی در طول چندین دهه نتوانسته‌اند در جمع هم‌پیمانان‌شان راه چاره‌ای برای حل مشکلات خود بیابند. در واقع، اتحادیه کشورهای عربی به‌عنوان چارچوب

1. Abdollah Iskandar, The Arabs Between Turkey and Iran, Alhayat, 21 October, 2010.

۲. یکی از نشریات معتبر منطقه‌ای در خاورمیانه که به زبان انگلیسی نیز منتشر می‌شود.



همگرایی در این منطقه شکست، خورده و این شکست نیازی به هیچ دلیلی ندارد. ازسوی دیگر، اعضای اتحادیه عرب باور دارند که این شکست، خلأیی در جهان عرب پدید آورده که ناگزیر از فراخوان نیروهاست که از موضع گذشته خود یعنی حاشیه، به درون میدان گام بگذارند. از این رو به نظر می‌رسد که همکاری میان ترکیه و ایران باید با در نظر گرفتن پیش‌زمینه اعراب شکل بگیرد و این تلاش‌ها باید از منافع اعراب پشتیبانی کند. با این حال، اگرچه ممکن است این تلاش‌ها از نیت خوبی برخوردار باشند، ولی اگر اعراب نتوانند ترکیه و ایران را وادار به در نظر گرفتن مصلحت اعراب کنند هیچ تضمینی برای اجرای اهداف اعراب وجود ندارد؛ علاوه بر این، ماهیت سیاسی سیستم درهای باز سیاست ایران و ترکیه به روی همسایه‌های عرب از یکسو و چگونگی استقبال از این سیاست در پهنه بومی سیاست عرب ازسوی دیگر، از دیگر مسائل تعیین‌کننده است که اعراب باید بتوانند برای مصلحت خود به آن جهت‌دهی کنند.

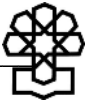
در این شرایط، دولت ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه از یکسو پرچمدار سیاست درهای باز نسبت به اعراب است و ازسوی دیگر با توجه به شعار «اتمام مشکلات»، تقدم مسائل سیاسی جای خود را به اقتصاد داده است. چنین رویکردی سبب شده است که در اندک زمانی شاهد شکل‌گیری روابط دوجانبه میان ترکیه و اعراب باشیم، لذا علیرغم برخی اختلافات مانند مسئله کردستان عراق و نگرانی‌هایی که درباره شهروندان کرد و ترکمن در مناطق مرزی ترکیه و عراق وجود دارد، سطح روابط گسترش می‌یابد.

ازسوی دیگر از نظر نویسندگان، دولت ایران به کشورهای عرب همسایه به چشم عرصه‌ای برای رویارویی با آمریکا و هم‌پیمانانش در منطقه - و در رأس آنها اسرائیل



- با توجه به مؤلفه‌های اقتصادی و نظامی اش - می‌نگرد. پس ارتباط ایران با کشورهای همسایه نیز بر مبنای ملاحظات و بده بستان‌های سیاسی است. در واقع، ایران ارتباط خود با اعراب را تنها یکسویه جهت‌دهی می‌کند و در تصمیم‌گیری‌های خود بدون توجه به نگرانی‌های اعراب تنها سودی که برای ایران دارد را محاسبه می‌کند. چنین چیزی عملاً رابطه را از تعادل خارج می‌کند و از حالت دوطرفه درمی‌آورد و نمی‌توان دیگر آن را بر پایه مناسبات دو جانبه دانست. ازسوی دیگر از نظر دولت‌های عرب، اختلافات عمیقی میان مواضع ایران و اعراب به‌ویژه در قبال سه کشور لبنان، عراق و فلسطین وجود دارد و این سه کشور بیش از دیگر کشورهای عرب از این دیدگاه آسیب پذیرفته‌اند.

از نظر نویسندگان، ایران از این واقعیت آگاه است که با وجود خلأیی که در منطقه وجود دارد، تاکنون نتوانسته است از این واگرایی در روابط خود با اعراب بکاهد و به همین دلیل به تعامل با جنبش‌ها منطقه روی آورده و از احزاب مردمی و معروف پشتیبانی کرده و به آنها قدرت بخشیده است. چنین رفتاری به ایران اجازه داده است تا از این سیاست برای مقابله با دولت‌های عربی بهره‌بردار و تغییر رویه را به‌جای آن در معادلات منازعه خود با آمریکا در منطقه معرفی کند. در این شرایط، این تصمیم که آیا باید با آمریکا روبرو شد و در برابرش ایستاد یا اینکه اکنون می‌توان با این کشور گفتگو کرد، نقطه حساس و خطرناکی در این مناسبات برای مقامات عرب منطقه است.



عنوان: حضور ایران در اجلاس نمایندگان ناتو در مورد افغانستان^۱

نویسنده: رود نوردلند

منبع: International Herald Tribune

این گزارش به بررسی حضور ایران در اجلاس اخیر ناتو در مورد تحولات افغانستان پرداخته و دیدگاه‌های بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در مورد تحولات سیاسی - امنیتی افغانستان را مورد ارزیابی قرار داده است. نویسنده در ابتدای گزارش تأکید می‌کند که ایران برای اولین بار نماینده‌ای به اجلاس ناتو در مورد افغانستان ارسال کرد. این اجلاس در واقع اجلاس گروه تماس بین‌المللی از ۴۴ کشور جهان از جمله افغانستان و پاکستان، ۱۰ کشور اسلامی و دیگر نمایندگان است که از آوریل سال ۲۰۰۹ به درخواست باراک اوباما رئیس‌جمهوری آمریکا تشکیل شده است و در آن زمان از ایران هم برای حضور در این گروه دعوت به عمل آمده بود. مقامات ایرانی سابقاً اعلام کرده بودند که شرکت در این جلسات را بررسی می‌کنند، اما در هشت جلسه‌ای که پیش از این برگزار شد، حضور نداشتند. این نخستین حضور آنها در چنین جلسه‌ای بود.

در این اجلاس که از سوی دیوید پترائوس، فرمانده نیروهای نظامی آمریکا و ناتو در افغانستان برگزار شد، مقاماتی رسمی از آمریکا و دیگر کشورهای جهان حضور داشتند. ژنرال پتریوس با بررسی تحولات افغانستان به مسائل استراتژیک و نقش افغانستان و پاکستان اشاره کرد و ریچارد هالبروک، نماینده ویژه رئیس‌جمهوری

1. International Herald Tribune, Rod Nordland, "Iran Sends Delegate to International Meeting on Afghanistan", 18 October, 2010.



آمریکا در امور افغانستان و پاکستان تأکید کرد که هیچ مشکلی با حضور ایران در این اجلاس ندارد و مسلماً با این کار مشکلات بیشتر نخواهند شد. با وجود این، هالبروک تأکید کرد که ایران صرفاً برای مسئله افغانستان در این جلسه حاضر شده و دیگر مسائل میان ایران و آمریکا، ربطی به این جلسه ندارد.

حضور ایران در این جلسه با استقبال سایر نمایندگان کشورهای مختلف مواجه شد به گونه‌ای که نماینده آلمان و رئیس این گروه تأکید کرد که بسیار طبیعی است که نماینده ایران هم در این جلسه حضور داشته باشد و این نشان می‌دهد که ما در مسیر درستی حرکت می‌کنیم.

با وجود این، اگرچه حضور ایران در این جلسه در حالی صورت گرفته است که ایران خواستار خروج نیروهای نظامی از افغانستان شده و همچنین خروج کامل نیروهای نظامی از عراق را هم درخواست کرده است، نماینده آلمان و رئیس این گروه تأکید کرد که آنچه که در این میان ما را متحد می‌کند جلوگیری از هرج و مرج در افغانستان است، بنابراین ایران را نمی‌توان از این گروه کنار گذاشت.

در این شرایط حضور ایران در این جلسه ممکن است به دلیل دستورکار جلسه برای بررسی خروج نیروهای نظامی ناتو و تحویل امور امنیتی به نیروهای افغانستان باشد. با وجود این تحولات اخیر از جمله زمزمه‌هایی مبنی بر کمک پاکستان به ناتو برای مذاکره با طالبان و یا حضور ایران در اجلاس اخیر و مشارکت در گفتگوهای مربوط به افغانستان نشانه همکاری بیشتر کشورهای همسایه افغانستان برای استقرار ثبات و امنیت در این کشور است.

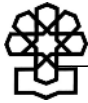


عنوان: ایران درصدد قطع یارانه‌هاست^۱
 نویسنده: جی سولومان و فرناز فصیحی
 منبع: Wall Street Journal^۲

این گزارش به بررسی طرح هدفمندی یارانه‌ها و پیامدهای این طرح و ارتباط آن با تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران پرداخته است. نویسنده در ابتدای گزارش تأکید می‌کند که دولت ایران گام‌های اولیه برای حذف برخی از یارانه‌های شهروندان ایرانی را برداشته است و این مسئله نشان می‌دهد تحریم‌های جهانی تأثیر داشته و اقتصاد ایران را با مشکل مواجه کرده است. نویسنده در ادامه گزارش با اشاره به پرداخت یارانه نقدی به حساب افراد در استان‌های مختلف کشور معتقد است که واریز این میزان یارانه نقدی با هدف راضی کردن مردم در برابر تغییر قیمت‌هاست، زیرا کارشناسان اقتصادی معتقدند قطع یارانه‌ها تنها در حوزه سوخت، ممکن است افزایش ۲۰ درصدی قیمت‌ها را به دنبال داشته باشد که با احتمال نارضایتی عمومی همراه خواهد بود. در واقع قطع یارانه‌ها به لحاظ سیاسی بسیار خطرناک است و نارضایتی عمومی به همراه می‌آورد چنانچه در سال ۱۹۹۸، همین مسئله به سقوط دیکتاتور سوهارتو در اندونزی منتهی شد. براین اساس، به لحاظ اقتصادی اگر این طرح کارآیی نداشته باشد، مساوی با خودکشی خواهد بود و در این شرایط، مشخص نیست که چرا اکنون دولت ایران درصدد اجرای این طرح است.

1. Jay Solomon Farnaz Fassishi, Tehran to Pare Subsidies, Seen as Risky Response to Sanctions, Wall Street Journal, 23 October, 2010.

۲. از نشریات معتبر و پرتیراژ آمریکایی است.



از سوی دیگر، از نظر نویسندگان، حذف یارانه‌ها، معترضان و اپوزیسیون ایرانی را علیه دولت تقویت می‌کند و تأثیر زیادی بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران نیز دارد. در واقع، دولت اوپاما امیدوار است با افزایش فشارها، ایران به میز گفتگوها بر سر برنامه هسته‌ای‌اش بازگردد. این در حالی است که شورای امنیت سازمان ملل دور چهارم تحریم‌ها علیه ایران را تصویب کرده و تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و اروپا نیز اعمال شده است. در این میان، اگرچه تحریم‌های شورای امنیت بر فناوری هسته‌ای و نظامی ایران متمرکز بوده، ولی تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و اتحادیه اروپا و دیگر کشورها علیه ایران گسترده‌تر و جامع‌تر است.

در این شرایط، آمریکا معتقد است که در هفته‌های آینده، دولت ایران مجبور است یک تصمیم اساسی بگیرد زیرا هم اقتصاد ایران به شدت آسیب‌دیده و هم طبقات سیاسی دچار شکاف اساسی شده است. تحریم‌ها باعث شده بانک‌های بین‌المللی روابط خود با ایران را قطع کنند. این اقدامات باعث شده نظام بانکی ایران مختل شده و بازرگانان برای تأمین ارز خارجی با مشکل روبرو شوند.

در ادامه گزارش، نویسنده به ارزیابی طرح هدفمندی یارانه‌ها می‌پردازد. نویسنده با اشاره به گزارش صندوق بین‌المللی پول تأکید می‌کند که با توجه به نظام مالی فعلی ایران برای حمایت از قیمت‌ها، یک خانواده به طور متوسط چهار هزار دلار در سال یارانه سوخت، برق و گاز دریافت می‌کند. علاوه بر این، قطع یارانه، حوزه سوخت و انرژی و همچنین آب، گندم، شکر، برنج و شیر را دربرمی‌گیرد. در این شرایط، دولت ایران معتقد است قطع یارانه‌ها برای صرفه‌جویی در پول نفت و کمک به صادرات است. اما با قطع یارانه‌ها و افزایش قیمت‌ها، خطر افزایش تورم وجود دارد و ممکن



است ارزش پولی ایران هم در سراسیابی قرار گیرد. بنابراین، هنوز هم اجرای این طرح با مخالفت‌های شدیدی در طبقه بازار و در مجلس ممکن است روبرو شود. با وجود این، احمدی‌نژاد می‌خواهد طرحی که بیش از یک‌سال با مجلس به‌خاطر آن کشمکش داشته را به اجرا گذارد، زیرا ایران سالیانه ۱۰۰ میلیارد دلار صرف تثبیت قیمت‌ها می‌کند و این هزینه باعث می‌شود طرح‌های زیربنایی با مشکل اجرا، روبرو شود.

از سوی دیگر دولت ایران تأکید دارد که این طرح هیچ ارتباطی به تحریم‌ها ندارد و اقتصاد ایران همچنان قدرتمند است. از نظر مقامات ایران، به‌رغم تحریم‌های جهانی آمریکا، خیلی از کشورها در صف همکاری با شرکت‌های ایرانی هستند. در این زمینه، وزیر اقتصاد ایران تأکید دارد که دنیا بزرگ است و آنهایی که خواهان معامله با ما هستند، راهی هم برای آن پیدا می‌کنند و هیچ مشکلی و مانعی هم وجود ندارد.

به هر حال دولت ایران درصدد اجرای این طرح است و براساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، ایران حدود ۸۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی دارد و در کوتاه‌مدت می‌تواند جلوی افزایش قیمت‌ها را بگیرد. ضمن اینکه به‌دلیل بهره زیاد بانک‌ها در سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت، نقدینگی در میان مردم خیلی بالاست. با وجود این، هنوز مشخص نیست این پرداخت‌ها چه مدت ادامه خواهد داشت. در این شرایط با توجه به چالش‌های موجود در اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، مقامات امنیتی ایران مدام هشدار می‌دهند که در برابر هرگونه اختلال در اجرای این طرح، آماده هستند.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۵۱۵

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۳۷)

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

سر ویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۹/۶